

ملی مذهبی در بزنگاه تاریخ

امیر طیرانی

و ضَرْبُ اللَّهِ مَثَلًا رَجُلَيْنِ أَحَدُهُمَا أَبْكَمُ لَا يَقْدِرُ عَلَى شَيْءٍ وَهُوَ كَلٌّ عَلَى مَوْلَاهُ أَيْنَمَا يُوَجِّههُ لَا يَأْتِ بِخَيْرٍ هَلْ يَسْتَوِي هُوَ وَمَنْ يَأْمُرُ بِالْعَدْلِ وَهُوَ عَلَى صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ (سوره نحل آیه 76)

خداوند دو مرد را برای شما مثل زده است : نخست مردی گنگ و ناتوان بر هر عمل، سربار دیگران که بود ونبودش خیری برای دیگران دربرندارد و دومین نفر آن کس که امر به عدالت می کند و در مسیر مستقیم است ، آیا این دو فرد با یکدیگر برابراند؟

تاریخ پر فراز و نشیب سرزمینمان ایران در طول قرون شاهد و ناظر بی شمار اتفاقات و حوادث و برهه ها و مقاطع بس سهمگین و دشوار بوده است . در گذر این ایام و در خلال این وقایع و حوادث چه بسیار نیروها ، گروه ها ، شخصیت ها و انسان هایی در عرصه این خاک آمده و رفته اند که نامی و نشانی از آنها برجای نمانده ، اما ماندگاری این ملت و این میهن مرهون فداکاری ها ، خون دل خوردن ها و خون دادن های آنها بوده است . همان کسانی که به فرموده قرآن دعوت به عدالت می کنند و در مسیر مستقیم الهی قرار دارند.

در این مقاله مروری سریع و گذرا به حضور و نقش نیروهای ملی مذهبی در پنج برهه و واقعه مهم تاریخ هفتاد ساله اخیر کشور شده است .

پیش از ورود به بحث لازم به یادآوری است که تمرکز این مقاله بر روی نقش ملی- مذهبی ها در این 55مورد به منزله نفی نقش دیگران در این حوادث و دوره ها نیست . روشن و واضح است که در تحولات اجتماعی هیچگاه یک نیرو یا شخص وجریان نمیتواند بدون همکاری دیگر نیروها به موفقیت دست یابد .

این چند دوره و واقعه مهم به ترتیب تاریخی عبارتند از :

- 1-مقاومت در برابر دولت کودتا
- 2- دوران بعد از سرکوب قیام 15خرداد
- 3- انقلاب اسلامی
- 4-تجاوز عراق به خاک ایران
- 5-بازسازی

۱- مقاومت در برابر دولت کودتا

مقاومت و ایستادگی در مقابل کودتای آمریکایی - انگلیسی 28 مرداد از فردای آن واقعه ضدملی به همت و پایمردی آیت الله حاج سید رضا زنجانی آغاز شد. زنجانی که در آغاز خود به همراه حسین شاه حسینی، عباس رادنیسا و... با توزیع اعلامیه " نهضت ادامه دارد" در خیابان های مرکزی تهران کلید مبارزه را زده بود با دعوت از عده ای از مبارزان ملی و مذهبی "نهضت مقاومت ملی" را در شهریور 32 پایه گذاری کرد. شاکله نهضت مقاومت را احزاب عضو جبهه ملی ایران، همچون حزب ایران به، حزب مردم ایران به رهبری نخب، حزب ملت ایران به رهبری داریوش فروهر، هیات علمیه تهران متشکل از عده ای از روحانیون طرفدار نهضت ملی و مخالف استبداد و استعمار از جمله حاج سید ابوالفضل زنجانی، حاج سید مهدی قوام، حاجسیدجوادی و...، حزب نیروی سوم و عده ای از نیروهای منفرد ملی، مصدقی و مذهبی همچون مهندس بازرگان، دکتر سحابی و طیف پیرامونی تشکیل می دادند.

نهضت مقاومت با اقدامات خود در فاصله سال های 1332 تا پایان دهه 1330 و به ویژه تا پیش از ضربه بزرگ 1336 که به بازداشت گسترده نیروهای آن از سوی ساواک منجر شد نقش مهمی در برهم زدن آرامش گورستانی محصول کودتای آمریکایی - انگلیسی ایفا کرد. تظاهرات مهر و آبان 1332، افشاگری علیه محاکمه غیرقانونی دکتر مصدق، برگزاری تظاهرات در جریان سفر نیکسون معاون رئیس جمهوری آمریکا به ایران، مراسم تشییع و بزرگداشت شهدای 16 آذر دانشگاه، افشاگری علیه قرارداد کنسرسیوم و... از طریق انتشار اعلامیه، نشریه مکتب مصدق و راه مصدق، برگزاری تجمعات و تظاهرات و... از مهم ترین اقدامات اعضای نهضت مقاومت در آن سال ها بود.

بدین ترتیب در سرمای زمستان ایران بعد از کودتای 28 مرداد که به قول اخوان ثالث سخت سوزان بود و: کسی سر برنیارد کرد پاسخ گفتن و دیدار یاران را " نهضت مقاومت ملی در مقابل کودتاگران ایستاد و مقاومت کرد.

در کنار فعالیت های نهضت مقاومت که بعد و جنبه سیاسی داشت از اواسط دهه 1330 یک حرکت فکری و فرهنگی نیز از سوی مهندس بازرگان و دوستانش شروع شد. این حرکت که جرعه نخست آن در درون سلول های زندان زده شد محصول بحث و گفت و گوی

مهندس بازرگان با هم سلولی جوان خود مهندس عزت الله سبحانی بود . مهندس بازرگان باجمع بندی آن بحث به این نتیجه رسید که مردم ایران از نظر روحیه کار جمعی ضعیف هستند و برای جبران این نقیصه در جمع برخی از دوستان خود همچون یدالله سبحانی ، مرتضی مطهری و... تشکلی با عنوان متاع را پایه گذاری کرد .

از جمله اقدامات متاع تاسیس انجمن های اسلامی مهندسين، پزشکان و معلمین بود . این انجمن ها ضمن آن که محلی برای افزایش روحیه کار جمعی و تمرین و ممارست فعالیت جمعی بود محلی برای برگزاری مراسم به مناسبت های مذهبی همچون اعیاد اسلامی ، احیا و عزاداری به مناسبت های مختلف بود .

مهندس بازرگان و دوستانشان در انجمن های اسلامی علاوه بر برپایی کلاس های آموزشی برای بیان دیدگاه های مذهبی خود سالانه چند مراسم عمومی برگزار می کردند و دیدگاه های خود را در زمینه های گوناگون فکری و مذهبی ارائه می داشتند . بیشتر آثار و نوشته های مهندس بازرگان که به صورت کتاب منتشر شده است ابتدا در این مراسم و محافل بیان شده است .

در همین زمینه باید به فعالیت های تبلیغی - آموزشی آیت الله سید محمود طالقانی در مسجد هدایت تهران و استاد محمد تقی شریعتی در کانون نشر حقایق اسلامی در مشهد اشاره کرد که در همان راستای فعالیت های فکری مهندس بازرگان و انجمن های اسلامی قرار داشت .

کانون نشر حقایق اسلامی علاوه بر فعالیت های فکری و آموزشی ، در حقیقت شعبه نهضت مقاومت در مشهد بشمار می رفت و در بازداشت های وسیع اعضای نهضت مقاومت در سال 1336 عده زیادی از اعضای آن بازداشت و به تهران فرستاده شدند . استاد محمدتقی شریعتی ، دکتر علی شریعتی ، طاهر احمدزاده ، مرحوم مادرشاهی، مرحوم آسایش و... از جمله آنها بودند .

بنابراین در این دوره نیروهای ملی و مذهبی علاوه بر حضور در عرصه سیاست و مقابله با رژیم کودتا در زمینه های فکری، آموزشی و تبلیغی نیز نقش آفرین بودند و فعالیت های آنها تک بعدی نبود .

۲- دوران بعد از سرکوب قیام 15 خرداد

در تابستان 1339 محمدرضا پهلوی تحت فشار دولت آمریکا مجبور شد تا روند سانسور و استبداد و سرکوب آزادی های سیاسی- اجتماعی ، را به طور موقت متوقف کند. بنابراین وعده برگزاری انتخابات آزاد را داد . در همین برهه جبهه ملی دوم و به دنبال آن نهضت آزادی ایران تشکیل و تلاش کردند تا با پی گیری مطالبات مشروع و قانونی واز راه مسالمت آمیز، شاه و رژیم را به انجام اصلاحات سیاسی -اجتماعی وادار کنند .

اما آستانه تحمل رژیم شاه بسیار پایین بود . شاه بعد از یک فترت دوساله و نیمه و تحمل فضای نیمه باز در کشور سرانجام صبرش به پایان رسید .

شاه که در این دوران کوتاه از نمایش دموکراسی ابتدا توسط علی امینی و سپس توسط جانشین وی اسدالله علم نخست وزیران وقت به گفتوگو با سران جبهه ملی روی آورده بود طاقتش طاق شد و با کنار گذاشتن روش مسالمت آمیز از اول بهمن 1341 بازداشت های گسترده نیروهای جبهه ملی و نهضت آزادی که مبارزه مسالمت آمیز و قانونی را را سرلوحه فعالیت های سیاسی خود قرار داده بودند را آغاز کرد . این روند بازداشت ها به بهار سال 42 نیز گسترش یافت و در نیمه خرداد نیز با سرکوب خونبار مردم ، بار دیگر سلطه استبداد بر کشور حاکم شد .

برخورد نهضت آزادی با وقایع خرداد در بیانیه معروف " دیکتاتور خون می ریزد" متجلی شد . در آن بیانیه ضمن دعوت همگان به مقاومت چنین آمده بود: " .. امروز ششمین روز قیام و انقلاب سراسری مردم کشور علیه دیکتاتوری است وهنوز علی رغم تصور باطل عمال دیکتاتوری مقاومت مردم ادامه دارد....افراد نهضت آزادی ایران ،یاران وفادار قرآن وشاگردان مکتب آزادی بخش امام حسین بن علی علیه السلام با ایمان راسخ وقاطعیت و بدون تزلزل با قیام مردم ایران همگامی نموده وبه یاری خدا ملت ستمدیده ایران را تا پیروزی معاونت خواهد کرد "

بعد از کشتار 15 خرداد در تهران، ورامین، کرمانشاه، شیراز و چند شهر دیگر عده زیادی از سازمان دهندگان تظاهرات محرم 1342 و عده ای از تظاهركنندگان دستگیر و زندانی شدند . از میان آنها حاج اسماعیل رضایی و طیب حاج رضایی دوتن از

سران میدان بارفروش های تهران به دلیل تن ندادن به خواسته های مقامات امنیتی -نظامی در خصوص اعتراف به دریافت پول از آیت الله خمینی محاکمه و شدند .

از سوی دیگر رژیم سران و فعالان نهضت آزادی ایران را به دلیل کشف یک اعلامیه پیش از انتشار به دو تا ده سال زندان محکوم ساختند . در آن اعلامیه درباره حوادث آن روز چنین آمده بود : " آنان فریاد می زدند ما از حکومت جابرانه غلامان اسراییل و استعمار به ستوه آمده ایم ما عدالت اجتماعی ، نان ، بهداشت ، فرهنگ و حکومت اسلامی می خواهیم . آنها فریاد می زدند : خمینی بت شکن خدانگهدارتو و شعار طرف مقابل آنها چه بوده است ... غارتگری ، چپاول و ظلم و ستم در لباس اصلاحات ارضی و اعطای حقوق زنان ... با توجه به نیروها و شعارهای طرفین ، دنیای انسانیت قضاوت خواهد کرد که کدامیک عامل ارتجاع سیاه هستند ... » وسیعلم الذین ظلموا ای منقلب ینقلبون « " .

در این شرایط عملاً دوران مبارزه قانونی و مسالمت آمیز ، همان طور که مهندس بازرگان هم در دادگاه اشاره کرده بود به سرآمده بود . وقتی مهندس بازرگان که از ابتدا تا پایان عمر خود همواره در مسیر مبارزه قانونی و مسالمت آمیز قرار داشت در دادگاه خود خطاب به مسئولان دادگاه نظامی و در حقیقت به سران کشور و حامیان غربی آنها اعلام کرد که ما آخرین گروهی هستیم که با زبان قانون با شما سخن می گفتیم . مشخص بود که دیگر امکان مبارزه قانونی وجود ندارد و شاه و حامیان امپریالیستش تمامی راه های مبارزات را بر روی مردم بسته اند . دستگاه های امنیتی رژیم شاه در حالی که صحبت از انقلاب سفید به میان آورده بودند با تعطیلی روزنامه های مستقل ، تعطیلی احزاب غیردولتی ، بازداشت رهبران جبهه ملی و نهضت آزادی و نیز دانشجویان ، بازاری ها و دیگر اقشار جامعه و ایجاد فضای پلیسی و امنیتی در جامعه علناً و عملاً اعلام می داشتند که هر صدای مخالفی را به شدت سرکوب خواهند کرد .

در چنین شرایطی نیروهای آزادیخواه و استقلال طلب راهی به جز یافتن و در پیش گرفتن مشی و روش جدید در پیش روی خود نمی دیدند . این دیگر فقط جمع بندی مهندس بازرگان و نیروهای مذهبی نبود بلکه سایر نیروها اعم از چپ ، مذهبی های سنتی و دیگران هم آن را درک و در پیش گرفتند .

مبارزه قهرآمیز و مسلحانه با هدف براندازی رژیم از سوی بسیاری نیروها در پیش گرفته شد و در میان مذهبی ها به تاسیس گروه هایی همچون حزب ملل اسلامی ، هیات های موتلفه اسلامی، حزب الله ، گروه ابوذر، و... در فاصله سال های دهه چهل تا سال های منتهی به انقلاب و در میان گروه های چپ به تشکیل سازمان چریک های فدایی خلق ، گروه فلسطین، ستاره سرخ و... منجر شد .

در این شرایط جدید نوگرایان دینی که در دوره های بعد در عرصه سیاسی به نیروهای ملی مذهبی شهرت یافتند همان طور که در اعلامیه تاسیس نهضت آزادی ایران آمده بود از سه ویژگی برخوردار بودند : ایرانی، مسلمان و مصدقی . آنها با این دو باور اساسی یعنی اعتقاد به نقش دین در امر اجتماعی از یک سو و نیز باور به پیشوایی رهبر نهضت ملی ایران دکتر محمد مصدق در دو زمینه متفاوت پا به عرصه سیاسی گذاشتند

حرکت نخست حرکتی فرهنگی -سیاسی و یا به عبارتی آگاه بخش بود و تاثیرات زیادی بر آگاهی اقشار مختلف جامعه و به ویژه جوانان و دانشجویان بر جای گذاشت . بار اصلی و اساسی این مشی از اواخر دهه 1340 به بعد بر دوش دکتر علی شریعتی بود. البته لازم به ذکر است که این مشی آگاهی بخش پیش از شریعتی از سوی کسانی همچون طالقانی، بازرگان و دیگران آغاز شده و تاسیس حسینییه ارشاد نیز با همین هدف صورت گرفته بود . ولی سخنرانی های پرشور دکتر شریعتی بود که به یکباره سرعت و نفوذ این مشی را در اقشار مختلف جامعه گسترش داد.

این مشی به رغم تعطیلی حسینییه ارشاد در آبان 1351 و به دنبال آن مخفی شدن و سپس بازداشت دکتر شریعتی که بیش از دو سال ادامه یافت ، به هیچ وجه نه تنها متوقف نشد بلکه با حدت و شدت بیش از پیش ادامه یافت .

شریعتی در ادامه حرکت نوگرایی دینی با ارائه نگاهی نو به مفاهیم مذهبی و با بازتعریف از شخصیت های دینی همچون امام علی(ع) ، امام حسین(ع) حضرت سجاد(ع) ، ابوذر ، سلمان ، فاطمه(ع) ، زینب(ع) و... نسل نویی را آموزش و پرورش داد و طوفانی را در سطح جامعه به راه انداخت.

تأثیرات حضور شریعتی بر تحولات منتهی به سقوط رژیم تا به آنجا بود که شریعتی از سوی مردم ایران معلم انقلاب نامیده شد.

البته در عرصه مشی آگاهی بخشی علی شریعتی تنها نبود. در این عرصه چه در میان نیروهای کمابیش سنتی و چه نیروهای نوگرا، اعم از روحانی و دانشگاهی شخصیت های زیادی فعالیت داشتند. آثار نوشته ها و سخنرانی های این شخصیت ها تأثیر قابل توجهی در افزایش شناخت و آگاهی های جامعه داشت. در میان نیروهای وابسته به طیف ملی مذهبی در آن دوران می توان از آیت الله طالقانی، مهندس بازرگان، استاد محمدتقی شریعتی، دکتر یدالله سبحانی، سید غلامرضا سعیدی، دکتر حبیب الله پیمان، دکتر کاظم سامی، دکتر غلامعباس توسلی و... یاد کرد.

درکنار مشی آگاهی بخشی، مشی دیگری که در برهم زدن آرامش و سکوت ساختگی و جهنمی جامعه زیر فشار ساواک توانست جامعه ایران را برای تحولی اساسی و انقلابی آماده سازد، مبارزه قهرآمیز و سازمان یافته بود. این مشی در میان نیروهای مذهبی از سوی بنیانگذاران سازمان مجاهدین خلق درپیش گرفته شد.

در میان نیروهای معتقد به نوگرایی دینی محمد حنیف نژاد، سعید محسن، اصغر بدیع زادگان از فعالان جوان نهضت آزادی ایران بعد از حوادث خرداد 1342 با جمع بندی از مبارزات پیشین نیروهای سیاسی در ایران به این نتیجه رسیدند که دوران مبارزه مسالمت آمیز با توجه به برخورد رژیم شاه به پایان رسیده و نیاز به برخورد جدیدی با رژیم وجود دارد. مبارزه ای که از سازماندهی مناسب با شرایط جدید برخوردار باشد، و بر خلاف گذشته که مبارزه امری تفننی به شمار می رفت به صورت حرفه ای درآید و با استفاده از تجارب مبارزه جهانی به مقابله با رژیم وابسته به امپریالیسم اقدام کند.

سازمان مجاهدین به دلیل باور به ایدئولوژی اسلامی و جانفشانی و فداکاری اعضای آن در سال های اولیه با استقبال عظیمی از سوی نیروهای مذهبی در سطح جامعه برخوردار شد. روحانیان مبارز، بازاریان ملی و مذهبی و دانشجویان بیشترین گرایش را به سازمان نشان دادند و حمایت های سیاسی،

اجتماعی و مالی فراوانی از آن به عمل آوردند و تا بدان حد که آنها توانستند به سایر نیروهای مبارز نیز کمک کنند. البته با وقایع سال 1354 و کودتای نیروهای مارکسیست در داخل سازمان که به کشته شدن کسانی همچون شریف واقفی و صمدیه لباف نیز انجامید، این اعتماد عمومی به میزان زیادی از آنها سلب شد. با این حال خاطره فعالیت ها، دلاوری ها و ایثار شهدای سازمان تاثیر زیادی در شکستن جو ترس و ناامیدی در مردم شد و نیروهای زیادی از خلال تجربه سازمان در جامعه آزاد شد.

۳- انقلاب اسلامی

نیروهای ملی - مذهبی در سطوح مختلف در جریان تحولات منجر به پیروزی انقلاب و سرنگونی رژیم وابسته شاه یکی از نیروهای موثر در این رخداد به شمار می رفتند.

در سطح رهبری حرکت بعد از رهبرانقلاب، شخصیت هایی همچون آیت الله طالقانی، مهندس بازرگان، دکتر یدالله سحابی که چهره هایی شناخته شده بودند و در شورای انقلاب و دولت موقت نقش کلیدی داشتند چهره های کمتر شناخته شده این جریان به ویژه اعضای نهضت آزادی، انجمن اسلامی مهندسين و پزشکان و جبهه ملی از جمله نیروهای تاثیر گزار و گرداننده بودند. کسانی همچون: مهندس عزت الله سحابی، مهندس کتیرایی، هاشم صباغیان، دکتر پیمان، دکتر سامی، محمد توسلی، حسین شاه حسینی، دکتر محمد ملکی، احمد علی بابایی، علی اکبر معین فر، محمود مانیان، محمد شانه چی و... در سازماندهی بازار و اصناف برای همراهی با حرکت های مردمی جمع آوری کمک های مالی، تشکیل و فعالیت نهادهای سازمانده اعتصابات، تظاهرات و کمیته استقبال از امام در زمره فعالان به شمار می رفتند.

علاوه بر آن بازرگان، سامی، دکتر پیمان، دکتر توسلی و... با انتشار مکتوبات خود در قالب بیانیه یا کتاب و نیز سخنرانی در محافل مذهبی و مردمی نقش آفرین بودند.

در ماه های رمضان، محرم و صفر سال های 1356 و 1357 از سوی مرحوم دکتر مفتاح از روحانیان فعال و مبارز تهران و امام جماعت مسجد قباي تهران بعد از نماز مغرب و عشا، مراسم سخنرانی ترتیب داده شد. سخنرانان این مجالس عموماً از میان

افراد نامبرده در بالا بودند . بازرگان، یدالله سحابی، سامی ، پیمان ، غلامعباس توسلی، دکتر حسن توانائیان فرد و حجت الاسلام محمد جواد حجتی کرمانی از جمله کسانی بودند که در مجالس مسجد قبا برای حاضران در مسجد قبا سخنرانی کردند.

به جز شخصیت های مزبور در کف خیابان نیروهای جوان و دانشجویی که در شهرهای مختلف عموماً به ترتیب دادن تظاهرات سراسری یا در محله ها اقدام می کردند عموماً کسانی بودند که در مکتب شریعتی پرورش یافته و مستقیم و غیر مستقیم تحت آموزش های فکری و عملی شریعتی و سازمان مجاهدین بودند . همین ها بودند که در دانشگاه ویا خارج دانشگاه به صورت خودجوش با سردادن فریاد " مرگ بر شاه " مردم را به دور خود جمع کرده و در خیابان به تظاهرات علیه رژیم اقدام می کردند ..

علاوه بر این ها باید به حضور و نقش تشکل هایی همچون نهضت آزادی ایران، جنبش مسلمانان ایران، جنبش مسلمانان مبارز ، کمیته ایرانی دفاع از حقوق بشر که از سوی نیروها و شخصیت های ملی-مذهبی ایجاد شدند و در سیر مبارزات سیاسی منجر به انقلاب تاثیرگذار بودند. اشاره کرد.

نهضت آزادی که پس از بازداشت های سال 1342 و زندانی شدن رهبران و فعالانش و تغییر مشی مبارزاتی دهه 1340 از دامنه فعالیت آن کاسته شده بود در جریان تحولات سال های پایانی رژیم باردیگر فعال شد . جنبش مسلمانان ایران و جنبش مسلمانان مبارز در سال 1355 از سوی کسانی همچون دکتر پیمان، دکتر سامی، عبدالعلی بازرگان، میرحسین موسوی و... دیگران ایجاد و به فعالیت سیاسی پرداختند. کمیته ایرانی دفاع از حقوق بشر نیز در آذر 1356 از سوی مهندس بازرگان و همفکرانشان در نهضت آزادی، و سایر تشکل های مذهبی و با همکاری نیروهای جبهه ملی ایران همچون دکتر سنجابی، علی اردلان، حسین شاه حسینی ، داریوش فروهر و عده دیگری از عناصر ملی ومذهبی مبارز ایجاد شد در بزنگاه مبارزات ملت برای رهایی نقش آفرین بود .

برای شناخت و آگاهی از میزان تاثیر گذاری نیروهای ملی - مذهبی از جمله دکتر شریعتی و سازمان مجاهدین خلق در حوادث سال های منتهی به پیروزی انقلاب می توان به نمونه تاریخی زیر اشاره کرد . در بهار سال 1357 مرحوم دکتر سید محمد بهشتی عضو موسس حزب جمهوری اسلامی و شورای انقلاب اسلامی که از جمله

عناصر تاثیر گزار در تحولات بعد از انقلاب بود برای دیدار با نیروهای خارج از کشور سفری به اروپا و آمریکا کرد . دانشجویانی که در آن سفر در آلمان و فرانسه با ایشان دیدار کردند به خاطر دارند که دکتر بهشتی در آن زمان با توجه به شرایط خاص ایران در باره ضرورت به هم پیوستن نیرویی سه گانه که آن را مثلث "خشم" می نامید سخن می گفت . مثلث خشم عبارت بود از : خ : خمینی، ش: شریعتی و م: مجاهدین

از نگاه بهشتی سه نیروی موجود و هواداران آنها در جامعه آن روز ایران بودند که می توانستند مردم ایران را به سر منزل پیروزی رهنمون سازند .

به منظور یادآوری نقش و جایگاه نیروهایی همچون دکتر مصدق ، شریعتی و مجاهدین می توان به تصاویر و فیلم های تظاهرات سال های 1356 و 57 مراجعه کرد . در تصاویر به جا مانده از آن دوران عکس های علی شریعتی ، تصاویر شهدای سازمان مجاهدین و نیز دکتر محمد مصدق رهبر نهضت ملی ایران تنها تصاویری بود که در کنار تصاویر رهبر انقلاب از سوی جمعیت حاضر در خیابان ها حمل می شد.

همچنین برای اثبات تاثیرات حضور شریعتی و سایر شخصیت های نوگرایی دینی و یا به عبارت دیگر شخصیت های ملی مذهبی در تحولات منتهی به انقلاب می توان به شمارگان چندصد هزاره کتاب های شریعتی ، بازرگان، طالقانی، پیمان و سایر متفکران وابسته به این جریان اشاره کرد.

۴- تجاوز عراق به خاک ایران

نیروهای ملی - مذهبی در مقاطع مختلف جنگ تحمیلی رژیم بعث عراق علیه ایران چه پیش از بازپس گیری خرمشهر و چه در دوران بعد از آن با دو رویکرد متفاوت حضور داشتند. از ابتدای تجاوز ارتش عراق و اشغال بخش هایی از خاک کشور نیروهای ملی مذهبی تلاش کردند تا به سهم خود در بسیج نیروهای مردمی نقش آفرینی کنند . نشریه امت در در شماره 76 یک هفته بعد از آغاز تجاوز دشمن در مقاله تفصیلی با عنوان: " جنگ تحمیلی آمریکا و عراق را به مقاومت گسترده خلق مبدل سازیم" به ضرورت دفاع از میهن در مقابل تجاوز پرداخت و خطاب به هواداران خود نوشت: "میهن از جان عزیزتر ما امروز منتظر است تا یکایک فرزندان خود را برای نبرد با باطل مهیا سازد ما برای میهن عزیزمان تا شهادت

یکایک سلحشوران ایران زمین مبارزه می کنیم . و پیروزی ما حتمی است "

جنبش انقلابی مردم مسلمان ایران به رهبری مرحوم دکتر سامی نیز از هواداران خود خواست با پیوستن به صفوف رزمندگان در مقابل تجاوز دشمن ایستادگی کنند .

نهضت آزادی ایران دربیانیه 14مهر 1359 درباره ضرورت دفاع از میهن اعلام داشت: " دلاوری‌های جوانمردان مسلح ایران در هوا و دریا و زمین و جانبازی‌های برادران پاسدار و ملت به‌پا خواسته انقلابی به‌ویژه مردم دلیر و آزاده شهرهای خوزستان و کرمانشاه برای حفظ انقلاب و حاکمیت و بقا و تمامیت ارضی کشور یاد جان باختگان صدراسلام را در خاطره ها زنده می کند....به امپریالیسم صهیونیسم جهانی که چشم طمع به خاک ما دوخته‌اند نشان دهیم که ما از جان خود می‌گذریم و تمام شدائد و ناملایمات کمیابی حاصله از جنگ را با صرفه جویی آگاهانه تحمل می کنیم ولی از آزادی و استقلال و جمهوری اسلامی خود نمی‌گذریم . هیئات منا الذله "

یکی از مهم ترین نهادهای مردمی در ابتدای جنگ ، ستاد جنگ های نامنظم بود که توسط شهید دکتر چمران از اعضای نهضت آزادی ایران پایه گذاری شد . این نهاد به ویژه در سالهای اول جنگ با بسیج نیروهای مردمی در سد کردن هجوم ارتش بعثی نقش بسزایی ایفا کرد .

تحولات رخ داده در خرداد 1360 سبب شد تا نیروهای ملی مذهبی به رغم عدم همسویی با جریانات برانداز جمهوری اسلامی به محاق رانده شوند . با این حال تا فتح و آزادسازی خرمشهر در سوم خرداد 1361 این موضع حمایتی ادامه یافت .

با تغییر شرایط به نفع ایران این نیروها تلاش کردند تا از موضع حفظ منافع ملی با موضوع ادامه جنگ برخورد کنند .

چندی بعد ازفتح خرمشهر و به ویژه به دنبال تلاش های برخی نهادهای بین المللی و یا کشورهای منطقه در خصوص میانجی گری میان ایران و عراق و برقراری آتش بس به بعد تا پایان جنگ نهضت آزادی ایران وسایر نیروهای ملی مذهبی خواهان پایان جنگ وبرقراری صلح شرافتمندانه بودند . در نامه 9فروردین 1364 نهضت آزادی ایران به اعضای شورایعالی دفاع در این باره چنین آمده بود: " پس از فتح خرمشهر...اعتقاد براین بود که شرایط مساعدی

برای فتح باب مذاکره و قبول صلحی عادلانه ، شرافتمندانه و خداپسندانه میان دو ملت مسلمان ایران و عراق فراهم آمده است " در نامه نهضت همچنین نسبت به ادامه جنگ و عواقب مترتب برآن به اعضای شورای عالی دفاع تذکر داده شده بود : " شرایط عمومی کشور و مساله جنگ به ما اجازه نمی دهد وخامت اوضاع را چنان که احساس می کنیم بازگو نماییم . ولی شما از خود سوال کنید اگر این مبلغ هنگفت و این نیروی انسانی عظیم در خدمت آموزش و پرورش ، سازندگی و خودکفایی و خودجوشی مملکت قرار می گرفت آیا وضعیت دینی، اخلاقی، سیاسی و اقتصادی ما به صورت کنونی بود؟ آیا فساد و رشوه و اعتیاد تا به این حد می رسید؟ آیا تورم و گرانی این گونه گریبانگیر مردم می شد؟ آیا فرار مغزهای مورد نیاز مملکت تا این اندازه بود؟ و... "

این مواضع تا پایان جنگ و قبول قطعنامه آتش بس سازمان ملل از سوی ایران از سوی نهضت آزادی ، جنبش مسلمانان مبارز ، جمعیت دفاع از آزادی و حاکمیت و شخصیت هایی نظیر عزت الله سحابی در بیانیه ها، سخنرانی ها و نامه های خصوصی یا سرگشاده به مقامات کشور ادامه یافت . در این تحلیل ها معمولا از دو موضع ایدئولوژیک و استراتژیک در خصوص ضرورت پایان یافتن جنگ بحث و بررسی می شد .

۵- بازسازی:

سرانجام در تیرماه 1367 با قبول آتش بس از سوی ایران جنگ ایران و عراق پایان پذیرفت و کمتر از یک سال بعد از آن رهبر انقلاب در خرداد 1368 درگذشت. در تابستان همان سال دولت میرحسین موسوی که از میانه سال 1360 تا پایان جنگ زمام امور کشور را در دست داشت از کارکناره گرفت و هاشمی رفسنجانی با پیروزی در انتخابات ریاست جمهوری برسرکار آمد .

پیش از این جابجایی با بررسی و تصویب متمم قانون اساسی ، پست نخست وزیری از سلسله مراتب دولت حذف و اختیارات ریاست جمهوری افزایش یافته بود.

دولت هاشمی رفسنجانی که با عنوان دولت سازندگی خود را معرفی می کرد به منظور رفع آثار به جای مانده از هشت سال جنگ در زمینه های مختلف اقتصادی، اجتماعی و... طرح ها و برنامه هایی را تهیه و به تدریج به مورد اجرا گذاشت.

با توجه به اهمیت سیاست های جدید، نیروها و اشخاصی که در دل درد وطن داشتند و از موضع: " نصیحه لائمہ المسلمین" به نقد برنامه های دولت جدید پرداختند. از جمله به هنگام بررسی برنامه دولت تحت عنوان برنامه پنج ساله اول جمهوری اسلامی بیانیہ ای توسط مهندس عزت الله سحابی منتشر شد. در این بیانیہ عواقب سوء و پیامدهای ناگوار اجرای آن برنامه توضیح داده شده بود و از نمایندگان مجلس و همچنین کلیه مسئولین دست اندرکار کشور خواسته شده بود تا در طرح بررسی ارائه شده، تجدیدنظر به عمل آورند. سحابی در این بیانیہ استراتژی توسعه صادرات، سیاست درهای باز، فروش سهام کارخانجات و موسسات دولتی دریافت وام و اعتبار از مؤسسات مالی و بانکهای بین المللی و سیاست نگاه به خارج را توصیه های صندوق بین المللی پول و بانک جهانی ارزیابی کرده و در انتها نیز با اشاره به ضرورت ایجاد فضای باز سیاسی گفته بود: "... در کشورهای توسعه نیافته که امکانات بالفعل داخلی کم دارند، همه چیز در گرو بسیج و به تحریک و فعالیت مولد در آوردن توده های ملت و منابع داخلی کشور است. این بسیج نیز مشروط به اعتماد متقابل و یگانگی بین دولت و ملت می باشد. بسیج مردم، تنها بسیج سرمایه نیست، که با برخی انگیزه های مادی بتوان به جذب آن پرداخت. حتی سرمایه هم، چه دولتی و چه خصوصی بدون همکاری و ترکیب با نیروی کار فعال و کاردان و دلسوز قادر به ایجاد ارزش افزوده ای نیست؛ مگر آنکه به تجارت و دلالتی دل خوش کند. در غیاب فضای سیاسی و نظارتی باز مطبوعات، رسانه های گروهی و احزاب و گروه های غیردولتی و بخصوص اهل خبره و دلسوز و پایبند به انقلاب اسلامی و منافع و مصالح ملت و میهن، هیچ گونه برنامه بازسازی یا توسعه اقتصادی - اجتماعی به نتیجه مطلوبی نخواهد رسید و به رغم هر نیتی و هدفی محکوم به شکست است. این واقعیتی است که در طی نیم قرن اخیر بارها تجربه شده و در محکوم بودن آن به شکست جای هیچ شبهه نیست."

شش ماه بعد از این بیانیہ و در حالی که نکته های مطرح شده در آن مورد توجه قرار نگرفته بود، نامه ای خطاب به رئیس جمهور در همین زمینه تهیه و منتشر شد. در این نامه سمت گیری دولت در زمینه سیاسی، سیاست خارجی، اقتصادی و اجتماعی دولت نقد و خواستار جلوگیری از خلاف ها، انعقاد قراردادهای خارجی، بازگرداندن حقوق قانونی مردم و آزادی های سیاسی شده بودند.

این بیانیه که به امضای نود نفر از طیف های مختلف ملی و ملی مذهبی رسیده بود با واکنش تندی از سوی دولت مواجه شد و بیست و سه نفر از امضا کنندگان از سوی مقامات بازداشت شدند . عزت الله سحابی، حسین شاه حسینی، محمد توسلی، هاشم صباغیان، نورعلی تابنده ، میرشمس شهبهانی، عبدالعلی بازرگان و... از جمله آنها بودند که بعد از چندماه و به تدریج آزاد شدند .

کمتر از پنج سال بعد از انتشار نامه نود امضایی ، نتایج سیاست های دولت وقت در زمینه اقتصادی که به تورم 49 درصدی در سال 1374 منجر شده بود نمایان شد و دولت هاشمی رفسنجانی مجبور به عقب نشینی از سیاست های اقتصادی خود که به سیاست تعدیل معروف شده بود گشت.

ایران فردا - خرداد ۹۹